

انتخاب اوباما فرصتی برای پیشنهاد مذاکره

یادداشت دکتر ابراهیم یزدی

روزنامه اعتماد ۸۷/۸/۱۸

پرونده آقای اوباما در انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا جمع بندی یا نماد بیرونی یک سلسله از تغییرات بسیار کلیدی در جامعه آمریکا است. جامعه انسانی نظیر موجود زنده بی در حال نوبه نوشدن و تغییر و تحول است. به معنای دیگر براساس اطلاعاتی که از یک جامعه و از یک فرد در ۴۰ سال پیش وجود دارد، نمی توانیم بدون مرور وضعیت آن جامعه زود قضاوت کنیم. ۴۰ سال پیش تصور اینکه یک زن کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا شود یا حتی معاون رئیس جمهوری شود، یا یک سیاهپوست و آن هم یک سیاهپوست مسلمان زاده رئیس جمهور شود غیرممکن بود. اما جامعه آمریکا تغییر پیدا کرده است. آقای اوباما محصول این تغییرات است. اما انتخاب آقای اوباما فرآیند تغییر در جامعه آمریکا را به یک فاز یا مرحله جدیدی ارتقا داده است. بنابراین چنین انتظار می رود که با انتخاب آقای اوباما تغییرات جدی در محورهای مختلف ملی و بین المللی به وجود آید. محور اول تاثیرات و پیامدهای انتخاب آقای اوباما در جامعه آمریکا است. این تاثیرات را می توان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. از نظر اجتماعی آقای اوباما با مقاومت یا با مبارزه منفی جریانات میرای آمریکا روبه رو خواهد شد. همان اندازه که آقای اوباما کاندیدای جریانات بالنده در آمریکا بود، آقای مک کین کاندیدای جریانات افراطی میرا در صحنه اجتماعی آمریکا بود. این جریان در آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورده است، اما در جامعه حضور دارد و در برابر موج تغییرات مقاومت خواهد کرد و چه بسا به درگیری ها و تقابل هایی در آمریکا منجر شود. قطعاً افکار عمومی خبر توطئه قتل اوباما و بازداشت دو جوان در این رابطه را فراموش نمی کند. کندی را هم ترور کردند. بنابراین جریانات افراطی و محافظه کار به خصوص مسیحیان معروف به «نئوکان ها» در جامعه آمریکایی حضور جدی دارند بنابراین انتخاب آقای اوباما واکنش هایی تند را در جامعه آمریکا در پی خواهد داشت. اما از طرف دیگر آمریکا با یک بحران بی سابقه اقتصادی روبه رو است. برخی از تحلیلگران اقتصادی در آمریکا و برنده جایزه صلح نوبل در اقتصاد در تحلیلی ریشه های بحران اقتصادی کنونی آمریکا را ناشی از فقدان اعتماد قلمداد کرده اند، یعنی جامعه آمریکا دچار بی اعتمادی شده است. انتخاب اوباما، استقبال مردم و آمار شرکت کنندگان در انتخابات هم نشان از آن دارد که آقای اوباما شاید بتواند اعتماد از دست رفته در جامعه آمریکا را باز گرداند.

بنابراین شاید موفق شود که بحران اقتصادی را مهار کند ولی به نظر می رسد پیامد انتخاب آقای اوباما در خود آمریکا و در سطح بین المللی، همگرایی میان آمریکا با کشورهای اروپایی و آسیای دور به خصوص ژاپن، چین، هند و حتی روسیه را در پی خواهد داشت، زیرا سیاست دولت اوباما بر اساس استراتژی کلان دموکرات های آمریکا بنا خواهد شد، یعنی همکاری با سایر هم پیمانان آمریکا. دولت بوش یک تنه تصمیم می گرفت و دولت های هم پیمان را در برابر عمل انجام شده قرار می داد و آنها را بالاجبار به دنبال خود می کشاند اما اگر کتاب آقای برژینسکی «به عنوان انتخاب» در خصوص سلطه جهانی و رهبری جهانی را مطالعه کرده باشید در آنجا این استراتژی جهانی به دقت ترسیم شده است. به باور من آقای اوباما در همان راستا حرکت خواهد کرد. به همین دلیل رهبران اروپا عموماً از انتخاب اوباما استقبال کردند. حتی قبل از رای گیری و قبل از مشخص شدن نتیجه انتخابات آمریکا، رهبران اتحادیه اروپا از آمدن آقای اوباما استقبال کردند. این همگرایی میان آمریکا و اتحادیه اروپا در مسائل خاورمیانه می تواند محور بعدی باشد. در خصوص رابطه با آمریکا و تاثیرگذاری آن باید گفت امروز در سطح جهانی هم طرف های درگیر چه در اروپا چه در آمریکا یا در اتحادیه اروپا یا میان اعراب و

فلسطینیان و بخش قابل توجهی از اسرائیلی ها پیرامون راه حل نهایی اتفاق نظر به وجود آمده است و آن عبارت است از عقب نشینی اسرائیلی ها از سرزمین هایی که در سال ۱۹۶۷ تحت اشغال درآمده است و واگذاری این زمین ها به فلسطینیان برای تفویض دولت مستقل فلسطینی در سرزمین هایی که به آنها تعلق دارد.

روی کار آمدن اوباما و همگرایی که در سطح جهان لاجرم به وجود خواهد آمد احتمالاً بازتاب آن در خاورمیانه و تسریع و شتاب دادن به فرآیند صلح و نهایتاً به ثمر رسیدن آن خواهد بود. اما در مورد ایران و پیامد انتخاب اوباما که مورد آخر است باید گفت سیاست اوباما در رابطه با ایران استفاده هر چه بیشتر از دیپلماسی خواهد بود اگرچه در مواضع کلیدی پیرامون فعالیت های هسته یی ایران اختلاف اساسی میان مواضع آقای اوباما با بوش وجود ندارد، همان طور که اختلاف اساسی میان امریکا و اتحادیه اروپا و گروه اول وجود ندارد و همگرایی میان امریکا و اتحادیه اروپا و آسیای دور به این نحو خواهد بود که فشار دیپلماسی بر ایران افزایش خواهد یافت چرا که در زمان بوش اتحادیه اروپا در تأسی از سیاست های امریکا چندان راضی نبوده است اما اگر قرار باشد سیاست خارجی آقای اوباما بر اساس همگرایی هر چه بیشتر با اتحادیه اروپا و کشورهای آسیایی باشد قطعاً فشار دیپلماسی به ایران پیرامون برنامه هسته یی افزایش خواهد یافت. اما در دو منطقه دیگر همگرایی میان ایران و امریکا وجود دارد که می تواند به عنوان فرصتی برای کاهش تنشج میان ایران و امریکا و بهبود روابط مورد بهره برداری قرار گیرد. این دو منطقه عبارت است از عراق و افغانستان.

به طور استراتژیک ادامه تنشجات در عراق و افغانستان به نفع امنیت ایران نخواهد بود. امریکا هم به خصوص پس از انتخاب اوباما ناگزیر به سمت و سویی خواهد رفت که امریکایی ها هرچه سریع تر از عراق خارج شوند. در افغانستان هم به همین ترتیب، بنابراین ایران و امریکا می توانند در این دو محور با یکدیگر به توافق هایی برسند. اما مشکل ایران و امریکا حتی بعد از انتخاب اوباما از یک کاستی های درونی سرچشمه می گیرد. انتخاب آقای اوباما می تواند مقدمه یی و فرصت مناسبی برای ایران باشد و روابط ایران و امریکا را به مسیری که به سود منافع ملی ایران است تغییر جهت بدهد. برای اینکه این کار صورت گیرد بسیار خوب خواهد بود رئیس جمهوری ایران برخلاف گذشته یک ژست دیپلماسی جهانی از خود نشان دهد و تلگراف تبریکی برای آقای اوباما که اکنون انتخاب شده ارسال کند غاین یادداشت قبل از انتشار خبر تبریک رئیس جمهور نوشته شده است و همچنین دولت ایران اعلام کند آمادگی دارد به طور رسمی و علنی بدون هیچ پیش شرطی با نمایندگان دولت جدید امریکا برای حل مسائل فی مابین به مذاکره بنشیند.